|  |
| --- |
| امام حسن مجتبي علیه السلام و تبيينِ سياستِ اسلامي |
|  |
| اشاره: در پانزدهم ماه رمضان المبارك سال سوّم هجرت(1) و در خانه دخت گرامي رسول خدا حضرت فاطمه زهرا(س) فرزندي چشم به جهان گشود كه ولادت او باعث شادي و سرور نبي مكرّم اسلام(ص) گرديد. او را «حسن» نام نهادند. از پيامبر بزرگوار، حضرت محمّد(ص) نقل شده است كه خطاب به ايشان فرمودند:« أشبهتَ خَلقي و خُلقي».(2) يعني؛ اي حسن [جان]، تو از جهت آفرينش(صورت) و اخلاق(سيرت و رفتار) شبيه من هستي. روشن است كه مصاحبت با انسان كاملي، همانند پيامبر(ص) و رشد و نموّ نمودن در منزل شخصيتي بزرگ، همانند حضرت امام عليّ(ع) و زن نمونه و كامل مانند حضرت فاطمه زهرا(س)، نتيجه اش تولّد انسان كاملي همانند حسن بن عليّ(عليهما السلام) است. هيچ انساني در جهان هستي از جهت كمالات و مقامات انساني همانند اهل بيت عصمت و طهارت(ع) نبوده و نخواهد بود، سلام الله عليهم اجمعين.  ضمن عرض تبريك به مناسبت ميلاد نوراني و پر خير و بركت اين امام عزيز و كريم آل محمد(ص)، توجه خوانندگان گرامي را به نوشتاري كوتاه كه پيرامون شخصيت، فضائل علمي- اخلاقي ايشان و تبيين معناي صحيح سياست و خلافت اسلامي و دلائل تحميل صلح بر حضرت امام حسن مجتبي(ع) نگارش يافته، جلب مي كنم:  1- شخصيت علمي، اخلاقي امام (ع)  پيرامون مقام و شخصيت علمي، اخلاقي سبط اكبر پيامبر(ص)، حضرت امام مجتبي(ع)، سخن بسيار است كه فقط به ذكر چند حديث در اين باره اكتفا مي شود: قال الرسول(صلّي الله عليه وآله): « لو كان العقل رجلاً لكان الحسن». يعني؛ اگر قرار بود عقل به صورت انساني مجسم شود، همانا به صورت "حسن بن عليّ [ع] " جلوه مي كرد. قال الصادق(عليه السلام): « انّ الحسن بن عليّ(ع) كان اعبد الناس في زمانه و ازهدهم و افضلهم و كان اذا حجّ، حجّ ماشياً و...».(3) يعني؛ به راستي كه [امام حسن مجتبي(ع)] در زمان خويش عابدترين، زاهدترين و داناترين مردم بود. در باره ابعاد علمي و صفات پسنديده اخلاقي مانند تواضع، جود و بخشش، كرامت، سخاوت، علم و دانش، شجاعت؛ نقل هاي تاريخي فراواني وجود دارد كه در كتب تاريخ اسلام و تاريخ زندگاني ائمه معصومين(ع) مكتوب مي باشد، مانند داستاني كه در باره تواضع و بر خورد شايسته با مردم و به خصوص تهيدستان در تاريخ آمده است كه امام حسن(ع) در محلي نشسته بودند، هنگامي كه خواستند از آن جا بروند شخص تهيدستي وارد شد، امام(ع) به او خوش آمد گفت و او را مورد محبت قرار داده و به او فرمود: « انّك جلستَ علي حين قيام منّا افتأذن لي بالإنصراف». يعني؛ تو به هنگام بلند شدن ما آمدي آيا اجازه مي دهي كه برويم؟، مرد گفت: آري، اي فرزند رسول خدا(ص). در روايتي حسن بصري در مورد سياست از امام حسن مجتبي(ع) سوال مي كند، حضرت چنان با بيان شيرين و كلمات زيبا به او پاسخ مي دهد كه كه هر خواننده اي با شنيدن آن به وجد مي آيد. قال الحسن بن عليّ(ع): « هي[السياسة] أن ترعي حقوق الله و حقوق الأحياء و حقوق الأموات، فأما حقوق الله. فاداء ما طلب، و الإجتناب عما نهي، و اما حقوق الأحياء: فهي ان تقوم بواجبك نحو اخوانك، و لا تتأخر عن خدمة أمتك، و ان تخلص لولي الأمر ما أخلص لأمّة و أن ترفع عقيدتك في وجهه اذا ما حاد عن الطريق السوي و امّا حقوق الأموات، فهي أن تذكر خيراتهم و تتغاضي عن ساوئهم، فانّ لهم ربّاً يُحاسبهم».(4) يعني؛ سياست آن است كه حقوق خداوند، و حقوق زنده ها، و حقوق مرده ها؛ را رعايت كني. اما حقوق خداوند، پس عبارت است از انجام آنچه كه خواسته خداوند است و پرهيز از آنچه كه او نهي كرده است. اما حقوق زنده ها آن است كه به وظيفه خود در برابر برادرانت عمل كني و از خدمت امت خويش بازنماني و تا زماني كه ولي امر مسلمين با امت خود صادق است، با او صادق باشي و هنگامي كه وي از راه راست منحرف شد، عقيده ات را رو در روي او اظهار كني و اما حقوق مردگان: اين است كه نيكي هاي آنان را ياد كني و از بدي هاشان چشم بپوشي، چرا كه آن ها را پروردگاري است كه از آنان حساب كشي مي كند.  2- حضور در كنار پدر بزرگوار  حضرت امام حسن مجتبي(ع) قبل از آن كه عهده دار مسئوليت امامت مسلمانان بشود در دوران حكومت پدر بزرگوارشان حضرت عليّ(ع) در ماموريت هاي مختلف از جمله در جنگ هاي سه گانه زمان ايشان شركت وبا شجاعت و جوان مردي بي نظير خود نقش مهمي در نابودي و شكست دشمنان امامت و ولايت حقّه اميرالمومنين(ع) ايفا كرد. در جنگ با ناكثين، امام عليّ(ع) او را به نمايندگي از خود به كوفه فرستاد تا مردم منطقه را از شورش دشمن آگاه نمايد به طوري كه حضرت توانست با سخنان آتشين خود، ده هزار نفر از مردم كوفه را براي حضور در جنگ بسيج كنند. در جنگ صفّين نيز امام حسن مجتبي(ع) يكي از رزمندگاني بودند كه در تحريك مردم عليه قاسطين فعاليت قابل توجهي از خود نشان دادند و خطاب به سربازان كوفه فرمودند:« در جنگ در جنگ با دشمنان(معاويه و سربازان او) كه در مقابل شما صف كشيده اند دست به دست هم بدهيد و هرگز سستي از خود نشان ندهيد كه سستي ريشه هاي دل را قطع مي كند».(5)  3- حوادث دوران امامت حضرت امام حسن مجتبي(ع)، در شام گاه بيست و يكم ماه مبارك رمضان سال چهلم هجرت كه حضرت مولي الموحدين، امام عليّ بن ابي طالب(ع) به دست ابن ملجم (لع) به شهادت رسيد، مسئوليت هدايت و امامت مسلمانان را عهده دار شد و بالاي منبر مسجد جامع شهر، پس از تعريف و ستايس مقام پدر بزرگوارش و حقانيت اهل بيت پيامبر(ص) به خلافت، مردم كوفه گروه گروه با وي بيعت نمودند.(6)  مردم كوفه كه در بحران روحي عجيبي قرار گرفته بودند در اثر اختلاف، فريب نقشه معاويه ستمگر و غاصب را خورده و به مرور از پشتيباني وحمايت امام حسن(ع) درست برداشتند وگرفتار همان شكست و ذلّت نخستين(عدم حمايت از امام عليّ (ع) و ذلّت و خواري ناشي از غلبه سپاه شام بر بصره و عراق) گرديدند. امام مجتبي(ع) كه با علم امامت، شناخت خود از مردم كوفه و رفتار آنان با پدر بزرگوارش، مردم كوفه را آزموده بود براي اتمام حجت حاضر شد بيعت مشروط مردم را بپذيرد تا اين كه اگر در آينده نزديك صلح و تعهدنامه مشروط با معاويه را امضا نمايند، كسي ديگر به ايشان اعتراض نكند. از لحاظ ديني و علمي براي امام مجتبي(ع) و شيعيان، معاويه و دستگاه نالايق او، عنصر فاسدي بودند كه مي بايست از صحنه حاكميت بر جامعه اسلامي كنار روند و اين چيزي بود كه امير المومنين(ع) نيز در هنگام به دست گرفتن خلافت اسلامي خود آن را در رأس برنامه هاي خويش قرار داده بود و اساساً چنين حركتي موافق با سيره و روش حاكمان واقعي مي باشد كه حاضر نيستند براي لحظه اي حاكميت ستمگران را پذيرا باشند، لذا همه چيز براي جنگ و مبارزه امام(ع) با حكومت شام آماده بود ولي متأسفانه باطن جامعه از انحراف رنج مي برد و قادر به تصميم گيري قطعي نبود. مردم با همان سرعتي كه با امام عليّ (ع) بيعت كرده بودند، در جهت مقابل آماده بيعت با معاويه شدند. لذا وقتي كه امام حسن(ع) از مردم مي خواهد به ميدان بيايند، در خانه هاي خود خزيده و حاضر به پشتيباني امام(ع) نشدند و به غير از عديّ بن حاتم و گروهي از قبيله« طيّ» و ديگر قبايل عازم لشكرگاه شدند و تعداد آن ها به 12 هزار نفر بيشتر نمي رسيد!.(7) امام مجتبي(ع) سپاه خود را به فرماندهي«عُبيدالهز بن عبّاس» به سوي سپاه 60 هزار نفري معاويه گسيل داشت و خود در مدائن اقامت فرمود تا به جمع آوري نيرو بپردازد. دوري فرماندهي كل لشگر، از سپاه باعث شد، شايعاتي كه از طرف جاسوسان و عوامل معاويه پخش مي شد مؤثر افتد وسخناني مانند اينكه «حسن بن عليّ (ع) قصد صلح دارد!» نيروهاي حضرت را دل سرد نمايد تا اينكه اخذ رشوه و فريب دنيا خوردن به فرماندهي سپاه حضرت سرايت كرد!(8) بازار شايعات داغ بود...، سادگي مردم مسلمان و فريب شيطان خوردن و غافل از توطئه و دسيسه معاويه بودن و... همه و همه، باعث شد تا امام مجتبي(ع) پيشنهاد صلح از طرف معاويه را بپذيرد.(9)  4- خُدعه و نيرنگ معاويه (صلح تحميلي) پيرامون مسأله صلح امام حسن(ع) با معاويه سخن بسيار است و بزرگان و علماي اسلامي در اين باره، مقالات وكتب ارزش مندي تأليف نموده اند.(10) بسياري از مورّخان و سيره نويسان به نفع سياست اموي قلم زده و حقايق تاريخي را تحريف نموده و يا دست به جعل واقعيات تاريخي زده اند. در بررسي چگونگي و روند صلح امام حسن(ع) به نظر مي آيد، ابتدا متن و موارد قرارداد صلح را بررسي نماييم تا در ادامه به نتايج و سرنوشت صلح اشاره نمائيم. «بلاذري» و «ابن اعثم» كه دو تن از مورّخين قديمي هستند، متن قرارداد صلح را با اندكي اختلاف به اين شرح نوشته اند: « هذا ما صالح عليه الحسن بن عليّ بن ابي طالب[ع]، معاوية بن ابي سفيان، صالحه علي ان يسلّم اليه الأمر[ولاية المسلمين] علي ان يعمل [فيهم] بكتاب الله وسنّة نبيّه [رسوله وسيرة الخلفاء الصالحين]، و علي انّه ليس لمعاوية ان يعهد لأحدٍ من بعده[عهداً و أن يكون الأمر بشوري] علي أن الناس آمنون حيث كانوا [من ارض الله] علي انفسهم واموالهم و ذراريهم... و علي أن لا يبغي للحسن بن علي [ع] [عائله- غائلة سوء- سراً و لا علانيةً] و علي أن يخلف احداً من اصحابه[اهل بيت رسول الله(ص)]...».(11) يعني؛ اين عهدنامه اي است كه حسن بن عليّ [ع] و معاوية بن ابي سفيان بر آن توافق كرده اند: ولايت امر مسلمين از طرف حسن بن عليّ به او واگذار مي شود به شرط آن كه او به كتاب خدا و سنت رسول الله(ص) و سيره خلفاي صالح عمل نمايد. معاويه نبايد كسي را به عنوان جانشين خود به خلافت تعيين كند و بايد خليفه پس از وي به نظر و رأي مردم(مومنين) تعيين شود. مردم در هر نقطه اي از كشور باشند در امنيت كامل بسر ببرند. هم چنين اصحاب و مردم [شيعيان اميرالمومنين(ع)] از نظر جان و مال و فرزندان در امان خواهند بود. معاويه تعهد مي كند كه به طور آشكار و پنهان توطئه اي عليه حسن بن عليّ(ع) و برادرش نچيند. اگر چه بعضي از مورّخين شرايط مالي را نيز در موارد قرارداد آورده اند ولي درست نيست. چون امام(ع) شخصاً آن را تكذيب فرموده است و در روايت آمده كه شرط مالي به منظور اداره خانواده شهداي جَمَل و صِفّين بوده است.(12) در مورد تعيين امام حسن(ع) به عنوان خليفه بعد از معاويه، نيز اخبار تاريخي زيادي وجود دارد ولي مسأله علاوه بر اين كه در متن قرارداد ذكر شده(منابع قديمي) نيامده بود، بعيد نيست منشا آن پيام كتبي معاويه به امام مجتبي(ع) باشد كه ضمن تعهداتي گفته بود، حاضر است، خلافت را پس از خود، به ايشان واگذار نمايد.  بديهي است منظور امام حسن(ع) از تعيين خليفه بعدي با شوراي مؤمنين باشد اين نيست كه امام(ع) شوراي تعيين عُمر بن الخطاب(خليفه دوم) را تاييد فرموده، بلكه منظور مقبوليت عمومي رهبر و حاكم از طرف مردم مي باشد و اين مسأله با اعتقاد شيعه منافات ندارد، زيرا شيعه معتقد است كه هر امام و حاكمي(بر حق و عادل) مي بايست براي اداره امور حكومت خود از طرف عموم مسلمانان مورد قبول قرار گيرد تا بسط يد پيدا نموده بتواند وظايف ولايت امر و اداره جامعه را انجام دهد. هدف حضرت، از ذكر اين مسأله(تعيين جانشين با شوراي مومنين) از يك طرف، خط بطلان كشيدن به مورثي كردن خلافت و امامت مسلمين از طرف معاويه بوده و از طرف ديگر امام(ع) مي خواست چهره منافقانه معاويه را با طرح اين مسأله بر مردم روشن فرمايند. چنان چه بعداً روشن شد كه معاويه به هيچ كدام از اين موارد جامعه عمل نپوشانيد و بلكه با كمال وقاحت، حتي به ساده ترين مواد صلح نامه كه خود او آن ها را امضا كرده بود پشت پا زد!. او(معاويه) در مقابل چشمان مردم كوفه، ضمن سخناني اظهار داشت: تعهداتي كه با حسن بن عليّ(ع) بر عهده گرفته بودم صرفاً كسب حاكميت و قدرت طلبي خودم بود و هيچ گونه اعتباري ندارد!.(13)  5- افشاي خيانت معاويه از زبان امام (ع) امام حسن(ع) در سخناني كه در مسجد بزرگ كوفه در مقابل مردم(با حضور معاويه) ايراد فرمودند، خيانت و چهره رياكارانه و منافقانه او را افشا فرمودند:« انما الخليفة من سارٍ بكتاب الله و سنّه نبيّه[ص] و ليس الخليفة من سار بالجور...».(14) يعني؛ (اي مردم) خليفه كسي است كه مطابق كتاب و سنت پيامبر خدا(ص) عمل نمايد، خليفه آن نيست كه با مردم رفتاري ستم كارانه داشته باشد، اين چنين شخصي، پادشاهي است كه سلطنتي به دست آورده و مدت كوتاهي از آن بهره برداري مي كند، سپس لذت هاي آن از بين رفته و زحمت هايش بر جاي مي ماند. در روايت ديگري، امام حسن مجتبي(ع) ضمن اشاره به اينكه خود و برادرش، امام حسين(ع) لايق و سزاوار امامت و خلافت در روي زمين هستند، با كنايه معاويه را پادشاهي ستم كار و غاصب معرفي مي فرمايد: « انّ الله قد هداكم باوّلنا محمّد(ص) و انّ معاوية نازعني حقّاً هو لي فتركته لصلاح الاُمة و حِقن دماءها».(15) يعني؛ خداوند شما مردم را به وسيله جدّ ما محمّد(ص) هدايت فرمود. معاويه براي تصاحب حقّي كه از آن من بود با من منازعه كرد، من هم به ناچار آن را به خاطر مصالح امّت و براي جلوگيري از خون ريزي بي نتيجه رها كردم.  از سوي ديگر در روايتي از پيامبر مكرّم(ص) نقل شده كه فرموده باشند:« انّ ابني هذا [الحسن بن عليّ] سيّد و لعلّ[عسي] الله ان يصلح[يبقيه] به بين فئتين عظيمتين من المسلمين».(16) يعني؛ همانا فرزندم حسن بن عليّ [ع] آقا و سرور است. خداوند به وسيله او در ميان دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار خواهد كرد.  در نتيجه، حضرت امام حسن مجتبي(ع) سومين امام مظلوم شيعيان، پس از هفت ماه و هفت روز خلافت مجبور شد رهسپار مدينه جدّش شود و به خاطر مصلحت اسلام و كمي ياران با وفا(در حقيقت نداشتن ياران مقاوم و با بصيرت) از جنگ با معاويه(رهبر لشگر قاسطين و شاميان دنيا طلب و گمراه) كشيد و در نهايت با توطئه مرموزانه معاويه (لع) در سال 49 هجري يا به قولي در سال 50 هجري به دست جَعده(همسر خيانت كار و بي وفاي حضرت) دختر اًشعت بن قيس، مسموم و به شهادت رسيدند.(17) البته بسياري از كج انديشان و طرف داران تفكرات بني اميّه و غربي ها مانند ابن خلدون، لامنس مسيحي(lammens)، حسن ابراهيم حسن، تلاش كرده اند با تحريف چگونگي شهادت امام مجتبي(ع) بني اميّه را تبرئه كنند كه قطعاً اين گونه زحمت ها غير از رسوائي بيشتر مخالفان مكتب نوراني اهل بيت(ع) سودي براي آنان نداشته و نخواهد داشت.(18)  6- تهاجم فرهنگي امويان و عباسيان تاريخ نويسان وابسته به بني اميه و بني عباس و غربي هاي يهودي و مسيحي با تحريف و وارونه نشان دادن حقايق و اتهام زني به خاندان پاك و مطهر پيامبر(ص) سعي كرده اند مزد جيره خواري خود را دريافت كنند!. از جمله اين سخنان سست و بيهوده، اتهام به ازدواج هاي متعدد امام مجتبي(ع) و اتهام مِطلاق(زياد طلاق دادن همسران) مي باشد. لامنس مسيحي( 1397 ميلادي) مي نويسد:« و يلوح أن الصفات الجوهرية التي بها الحسن[ع] هي الميل الي الشهوات والإفتقار الي النشاط و الذكاء ولم يكن علي وفاق مع أبيه و إخوته....».(19) يعني؛ حسن بن عليّ [ع] بر خلاف پدر و برادرانش به زنان علاقه زيادي داشت... و اين كار بر خلاف سيره پدر و برادرانش بود!؟.  متاسفانه برخي ديگر از بزرگان شيعي مانند ابن شهر آشوب بدون دقت در سند نقل هاي تاريخي، بهانه به دست مخالفان اهل بيت(ع) و غربي ها داده اند. او مي نويسد:«... قال ابو طالب المكي: انّه(الحسن) تزوّج مأتين و خمسين إمرأة و قد قيل ثلاث مأة».(20) يعني؛ ابوطالب مكي مي گويد: امام حسن مجتبي(ع) 250 تا 300 همسر داشته اند!؟. در پاسخ به اين شبهه مي بايست گفت: اين اتّهامي بيش نيست كه عمدتاً به سياست هاي خبيثانه امويان و عباسيان بر مي گردد. جالب اينكه در روايتي كه مسعودي از زبان منصور دوانيقي نقل كرده به اين توطئه اشاره شده است.  منصور عباسي در سال 145 هجري با مشاهده قيام سادات حسني در مناطق مختلف از جمله خراسان، پس از دست گيري رهبران آن ها در خطابه اي كه ايراد كرد مي گويد:« ... ثم قام الحسن بن عليّ -رضي الله عنه- فوالله ما كان برجلٍ، عرضت عليه الأموال فقبلها، و دسّ اليه معاوية:... و اقبل علي النساء يتزوج اليوم واحدة و يطلق غداً اُخري...».(21) يعني؛ اي مردم خراسان و... آل ابوطالب در امر خلافت بهره اي نبردند! تا نوبت حسن بن عليّ [ع] رسيد و معاويه او را وعده داد و فريفت. او در مدينه با پول هائي كه دريافت مي كرد روي به زنان آورد و امروز با يكي ازدواج مي كرد و فرداي آن روز، يكي را طلاق مي داد...[!؟]. دقيقاً پس از آن، اتهام زدن ها با شيوه ها و انگيزه هاي مغرضانه ادامه يافت. در حالي كه بنا به اقوال درست و صحيح بزرگاني مانند شيخ مفيد(ره)، شيخ صدوق(ره)، شيخ طبرسي(ره) و...، تعداد همسران آن حضرت با اوضاع سياسي و اجتماعي، گرفتاري ها و مشكلات شيعيان، زهد و تقوا و تهجدهاي شبانه روزي كه زبان زد مردم بود، قبح و كراهت طلاق در شريعت اسلام و احاديت پيامر(ص) توجه به فرزندان و دامادهائي كه به ايشان منسوب شده اند، از 8 تا 10 نفر تجاوز نمي كند. (22)  سلامٌ عليه يوم وُلد و يوم استشهد و يوم يُبعث حيّاً  •پي نوشت ها: 1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب ج2 ص80؛ مفيد(ره)، الإرشاد في معرفة حُجَج الله علي العباد ص169؛ سبط ابن جوزي، تذكرة الخواص ص 193. 2- مجلسي(ره)، بحار الأنوار، الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار(ع) ج 43 ص 332 ؛ طبرسي، إعلام الوري بأعلام الهدي ص 211؛ القرشي(ره)، باقر شريف، حياة الإمام الحسن بن علي(ع) ج1 ص 29. 3- جويني، فرائد السمطين ج2ص68 ح 392 ؛ جعفريان، حيات فكري و سياسي امامان شيعه(ع) ج 1 ص 79. 4- تنبيه الخواطر و نزهة النواظر(مجموعه ورّام)ج 2ص 301؛ القرشي(ره)، باقر شريف، حياة الإمام الحسن بن علي(ع) ج1 ص 340. 5- نصر بن مزاحم، وقعة الصفّين ص 114. 6- مفيد، الإرشاد... ص170. 7- يعقوبي، تاريخ اليعقوبي ج 2 ص 214؛ ابن عساكر، تاريخ دمشق(ترجمه امام حسن [عليه السلام]) ص 176. 8- مفيد، الإرشاد... ص 170 9- يعقوبي، تاريخ اليعقوبي ج 2 ص 215. 10- شايد به توان گفت بهترين كتاب تأليف شده در اين زمينه، كتاب ارزش مند « صلح الحسن(ع)» تأليف مرحوم شيخ راضي آل ياسين مي باشد كه توسط حضرت آيت الله العظمي خامنه اي«مُد ظلّه» ترجمه و انتشارات آسيا مكرر آن را منتشر كرده است . هم چنين استاد علاّمه سيّد جعفر مرتضي عاملي، كتابي به نام « الحياة السياسية للإمام الحسن(ع)» تأليف فرموده اند كه توسط آقاي دكتر محمّد سپهري به فارسي ترجمه و توسط دفتر انتشارات اسلامي منتشر شده است. 11- ابن اعثم، الفتوح ج 4 ص 158 الي 160؛ بلاذري، انساب الأشراف ج 2 ص 42؛ ابن شهرآشوب، مناقب... ج 4 ص 33؛ امين عاملي، اهل البيت(ع) من كتاب: اعيان الشيعة... ج 4 ص 50.  12- مجلسي، بحار الأنوار ج 44 ص 30. 13- بلاذري، انساب الأشراف ج 2 ص 48؛ ابن اعثم، الفتوح ج4 ص 163. 14- ابوالفرج الاصفهاني، مقاتل الطالبيين ص 74؛ مفيد، الإرشاد... ص 186، ابن ابي الحديد، شرح النهج... ج 16، ص 49. 15- جعفريان، حيات فكري و سياسي امامان شيعه(ع) ج1 ص 103. 16- سبط ابن الجوزي،تذكرة الخواص(محقَّق) ج 2 ص 11.  17- مسعودي، مروج الذهب... ج 2 ص 427؛ مفيد، الإرشاد... ص 174؛ ابن شهرآشوب، مناقب ج 4 ص 42. 18- ابن خلدون، تاريخ ابن خلدون ج 2 ص 187؛ حسن ابراهيم، تاريخ الإسلام السياسي ج1 ص 398؛ زماني، حقائق پنهان؛ پژوهشي در زندگاني امام حسن مجتبي(ع) ص 291. 19- زماني، حقائق پنهان؛ پژوهشي در زندگاني امام حسن مجتبي(ع) ص 332. 20- ابن شهرآشوب، مناقب... ج 4 ص 30؛ زماني، حقائق پنهان؛ پژوهشي در زندگاني امام حسن مجتبي(ع) ص 332. 21- مسعودي، مروج الذهب... ج 3 ص 311؛ القرشي(ره)، حياة الإمام الحسن بن علي(ع)، ج 2 ص 452.  22- مجلسي(ره)، بحار الأنوار، ج 44 ص 163؛ راضي آل ياسين، صلح الحسن(ع)، ص 25. ---------------------------------------------------------------------------------------------- •معرفي برخي از منابع مفيد (بديهي است معرفي اين منابع به معناي تأييد كامل همه محتواي آن ها نمي باشد).  الف: منابع عربي - الإمام الحسن المجتبي(ع) (اعلام الهداية، المجلد الثالث)، جمعي از نويسندگان، قم، نشر المجمع العالمي لأهل البيت(ع)، الاُولي، 1422ق، وزيري 222 ص . - الإمام الثاني من أئمة أهل البيت(ع)، الإمام الحسن المجتبي(ع)، محمدحسن القبيسي العاملي، بيروت، 1403 ق/ 1983م، وزيري، 96 ص. - الإمام الحسن(ع)، گروه نويسندگان، تهران، مؤسسة البلاغ، 1405 ق/ 1363 ش، جيبي، 92ص (اين كتاب به فارسي ترجمه شده است). - الامام الثاني الإمام الحسن(ع)، گروه نويسندگان، مترجم: محمد عبدالمنعم الخاقاني، چاپ دوم، قم، مؤسسه در راه حق، 1409 ق، رقعي، 24ص. - الإمام الحسن بن علي(ع)، گروه نويسندگان، قم، مؤسسة الامام الحسين(ع)، 1371ش/1413ق، رقعي، 28ص. - الامام الحسن بن علي(ع)، سيد مهدي آيت اللهي، ترجمه: كمال السيّد، قم، انتشارات انصاريان، 1374، وزيري، 24 ص.  - الامام الحسن بن علي(ع)، گروه نويسندگان، چاپ سوم، بيروت، الدار الاسلامية، 1410 ق/ 1990م، وزيري، 28 ص.  - الامام الحسن بن علي(ع)، حسن كامل ملطاوي، كتابخانه تاريخ، اول، قاهره، مطابع الأهرام التجارية فليوب، 1412 ق، وزيري 196. - الامام الحسن بن علي(ع)، محمدعلي دخيّل، دار التراث الاسلامي، بيروت، (104 ص، جيبي). - الامام الحسن(ع)، شيخ محمدحسن آل ياسين، المكتب العالمي، بيروت، (190 ص، رقعي) .  - الامام الحسن بن علي(ع)، توفيق ابوعلم، مطبعة السعادة، قاهره 1391هـ .ق. (153 ص، قطع وزيري) - الامام الحسن(ع)، رائد التخطيط الرسالي؛ مروية معاصرة في قيادته الاستراتيجية، محمدعلي حسين صغير، كتابخانه، بيروت، مؤسسة العارف للمطبوعات، 1423 ق، وزيري 272 ص. - الإمام الحسن(ع) قدوهء و أسوهء، سيد محمدتقي المدرسي، رابطة الاُخوّهء الاسلامية، قم 1365 هـ . ش/ 1404 هـ . ق(96 ص، رقعي). - الإمام الحسن(ع) الكوثر المهدور، سليمان كتاني(مسيحي)، دار الكتاب الاسلامي، قم(160 ص). - الإمام حسن بن علي المجتبي(ع) ، عبدالودود امين، دار التوجيه الاسلامي، كويت 1359 هـ . ش/ 1400 هـ .ق.(76 ص، رقعي). - الإمام الحسن(ع) [ابو محمد الحسن بن علي(ع)]، حسن المصطفوي، مكتبة المصطفوي، نشر الكتاب، قم(250 ص، وزيري). - الإمام السبط؛ سيدنا الحسن بن علي(ع) ، سعد القاضي، كتابخانه تاريخ، دار غريب للطباعة والنشر، 2001م، رقعي، 64 ص. - الإمام الحسن المجتبي(ع)؛ حياته ومقاماته عن كتب أهل السنة وصحاحهم وتواريخه، حسن المصطفوي، قم، مركز نشر كتاب، وزيري، 260 ص. - بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، علامه محمدباقر مجلسي اصفهاني(1037 ـ 1110ق)، چاپ دوم، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1403ق/ 1983م، وزيري، 213 ص (بخشي از جلد 43 و بخشي از جلد 44).  - بلاغة الإمام الحسن(ع)، شيخ عبدالرضا الصافي، شكوري، 1373 هـ .ش(وزيري 160 ص). چاپ جديد اين كتاب با تحقيق به زودي در سال 1392 از سوي مجمع جهاني اهل بيت(ع) وارد بازار نشر خواهد شد. - ترجمة الإمام الحسن[(ع)] من تاريخ دمشق، ابوالقاسم علي بن حسن بن وهبة الله بن عبدالله شافعي(ابن عساكر)، به تحقيق شيخ محمدباقر محمودي، مؤسسه محمودي، بيروت(245 ص، رحلي). - ترجمة الإمام الحسن بن علي(ع) من «الطبقات الكبير»، ابوعبدالله محمد بن سعد بن منيع زهري بصري، كاتب واقدي (168 ـ 235). تهذيب وتحقيق: سيد عبدالعزيز الطباطبايي(1348 ـ 1416 ق). قم، مؤسسة آل البيت(ع) لإحياء التراث، 1416 ق، وزيري، 126 ص. - جهاد الإمام الحسن(ع)، محمدحسن القبيسي العاملي، دوم، بيروت، 1403 ق، 96ص. - الحسن المجتبي(ع)، حسين الشاكري، نشر الهادي، 1415 ق، وزيري، 500 ص. - الحسن بن علي(ع)؛ دراسة و تحليل: كامل سليمان، دار الفكر، 1373 هـ .ق(223 ص، رقعي). - الحسن بن علي(ع)، عام الجماعة، عبدالقادر احمد اليوسف سامرّائي، مطبعة الهلال، بغداد 1948 م.(167 ص، رقعي) - الحسن بن علي(ع)، أحمد راتب حموش، اول، دمشق، دار الفكر، 1985م. - الحسن بن علي(ع)، محمد عز الدين علي، اول، بيروت، عالم الكتب، 1405 ق. - الحسن بن علي بن أبي طالب(ع)، محمود فاخوري، بيروت، دار المعرفة، 1406 ق. - الحسن بن علي بن أبي طالب(ع) القرشي الهاشمي، بشار عواد معروف، دوم، بيروت، مؤسسه الرسالة، 1405 ق، - حسن بن عليّ بن أبي طالب(ع) بن عبدالمطّلب، مأمون صاغرجي، سوم، مؤسسة الرسالة، 1405 ق. - الحسن بن علي بن أبي طالب أبومحمد(ع)، احسان عباس، دوم، قم، منشورات، رقعي، 1985م. - الحسنيّون في التاريخ، شيخ محمد الساعدي، اول، نجف، مطبعة النجف، 1375ق، 212ص. - حليم آل بيت؛ الامام حسن بن علي(ع)، موسي محمّدعلي، عالم الكتب، بيروت 1405 هـ .ق(227 ص، وزيري). - حياة الإمام حسن بن علي(ع)، شيخ باقر شريف القرشي(ره)، 2ج، مطبعة شريعت، الاُولي 1429 ق، قم. 1063ص، وزيري.  الحياة السياسية للامام الحسن(ع) في عهد الرسول(ص) والخلفاء الثلاثة بعده، سيد جعفر مرتضي العاملي، دفتر انتشارات اسلامي، قم (166 ص). (اين كتاب به فارسي هم ترجمه شده است). - صلح الحسن(ع)، عبدالرحمن بن كثير هاشمي(نجاشي رجالي مشهور آن را با چهار واسطه روايت كرده است، به نقل از الذريعة...، ج5، ص86). - صلح الحسن(ع)، الشيخ راضي آل ياسين(ره)، چاپ سوم، بيروت، 1389 هـ . ق(374 ص، وزيري). - صلح الإمام [الحسن(ع)] اسبابه و نتائجه، سيد محمدجواد فضل الله، دار الغدير، بيروت، 1392 هـ . ق(240 ص، رقعي). - مسند كلمات الإمام الحسن(ع)، الشيخ عزيز الله العطاردي، انتشارات عطارد، 1373 هـ . ش.(800 ص، قطع وزيري). - مقتل الحسن(ع)، ابو الفرج علي بن حسين الاصفهاني ـ متوفاي 356 ق، تحقيق: سيد مصطفي مرتضي قزويني(به نقل از مجله تراثنا، ش13، ص254).  ب: منابع فارسي - سبط اكبر، امام حسن مجتبي(ع)، (پيشوايان هدايت، جلد سوم)، جمعي از نويسندگان، ترجمه: عباس جلالي، قم، انتشارات مجمع جهاني اهل بيت(ع) 1385 ش، وزيري، 306 ص.. - اسرار صلح امام حسن(ع)، محمدعلي انصاري اراكي، بي تا، تهران، 1386 هـ . ق(80 ص). - امام حسن(ع)، عبدالكريم بي آزار شيرازي، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1375، وزيري، 3ج، 80ص.  - امام حسن(ع) پرچم دار صلح و آزادي، مهدي پيشوايي، چاپ دوم، قم، انتشارات توحيد، 1360، جيبي، 172 ص. - امام حسن(ع) در موضع واقع بيني و هدف گرايي، علي قائمي، قم، انتشارات شفق، 1361، رقعي، 125 ص. - امام حسن بن علي(ع) را بهتر بشناسيم، حسين انصاريان، تهران، 1357، 46ص. - امام مجتبي(ع)، سيد حسن ابطحي، تهران، نشر بطحا، 1367، رقعي، 280ص. - امام حسن(ع) مظلوم تاريخ، رضا محمدي، صحفي، قم1370 هـ . ش(144 ص، رقعي). - بامداد روشن در اسرار واگذاري خلافت حضرت امام حسن(ع) به معاويه، سيد علي اكبر برقعي، حافظ(192 ص). - بحثي در باره صلح امام حسن(ع)، غلام رضا اشرف سمناني، تهران، انتشارات بعثت، 1364، جيبي، 40ص. - بحثي كوتاه پيرامون زندگي امام حسن مجتبي(ع)، گروه نويسندگان، گردآوري: محمود حكيمي، قم، 1356، رقعي، 128ص. - پرچم دار صلح؛ حسن بن علي(ع)، (برگزيده اشعار)، [؟] تهران، كتابفروشي اسلامية، 1351 ش/ 1392 ق. - پيشواي دوم؛ حضرت امام حسن مجتبي(ع)، گرووه نويسندگان، قم، در راه حق، 1371 ش، رقعي، 28ص(اين كتاب به عربي، تركي، و اردو ترجمه شده است). - چرا امام حسن(ع) صلح را پذيرفت؟ رجبعلي مظلومي، تهران، 1347، جيبي، 56 ص. - امام حسن(ع) كيست؟ فضل الله كمپاني (م1414 ق) تهران، انتشارات فراهاني، 1354، وزيري، 315ص. - حضرت امام حسن(ع)، عبدالامير فولاد زاده، تهران، انتشارات اعلمي، 1359، وزيري، 35ص(مصوّر، ويژه نوجوانان). - حضرت امام حسن مجتبي(ع)، سيد كاظم ارفع، تهران، مؤسسه انتشارات فيض كاشاني، 1370 ش/ 1411 ق، رقعي، 58 ص. - حضرت امام حسن مجتبي(ع)، ميرابوالفتح دعوتي، قم، انتشارات شفق، وزيري، 32 ص(مصوّر، ويژه نوجوانان)(اين كتاب به عربي ترجمه شده است.) - حضرت امام حسن مجتبي(ع)؛ معصوم چهارم، سيد مهدي آيت اللهي، نقاشي: علي مظاهري، تهران، انتشارات جهان آرا، 1368، وزيري، 24ص( اين كتاب به عربي، تركي، اردو، انگليسي، فرانسه و تاجيكي ترجمه شده است). - حقايق پنهان؛ پژوهشي در زندگي سياسي امام حسن مجتبي(ع)، احمد زماني، مقدمه: جعفر سبحاني، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، 1375 ش/ 1417 ق، وزيري، 508 ص. - حسن بن علي(ع)، پرچم دار صلح، محمد روشن نفس، نشر حجت(238 ص). - حسن بن علي بن أبي طالب(ع)، سيد مصطفي حسيني دشتي، قم، اسماعيليان، 1369ش. - حسن بن علي(ع)، جواد فاضل، علي اكبر علمي، 1336 ش، 228ص. - حيات حسن بن علي(ع)، محمدجعفر شاملي شيرازي، شيراز، بي تا، 1348 ش(90 ص، رقعي). - داستان زندكي امام حسن(ع)، امير مهدي مراد حاصل، تهران، انتشارات پيام نور، 1374، رقعي، 32 ص(ويژه نوجوانان). - در مكتب كريم اهل بيت(ع)؛ امام حسن مجتبي(ع)، علي قائمي اميري، تهران، انتشارات ميري، 1374، وزيري، 464 ص. - دريا، طوفان، تلاطم، پنجره اي به آفاق شخصيت ...امام حسن مجتبي(ع)، محبوبه زارع، قم، بوستان كتاب، 1381 ش. - راويان مشترك فريقين از امام حسن(ع)، يدالله مقدسي، كتابخانه آيت الله مرعشي(ره)، اول، تهران، هشتمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي، 1416ق. - زمام داري امام مجتبي(ع)، احمد مطهري(ره)، دار الكتاب، قم، بي تا(254 ص، رقعي). - زندگاني امام دوم؛ حضرت امام حسن مجتبي(ع)، مؤسسه در راه حق، ساده نويسي: دفتر تحقيق و تأليف كتب درسي، چاپ سوم، تهران، سازمان نهضت سواد آموزي، 1375، رقعي ، 28 ص. - زندگاني امام حسن بن علي(ع) و اسرار صلح او با معاويه، حسين وجداني، آستان مقدس رضوي(228 ص). - زندگاني حسن بن علي(ع)، باقر شريف القرشي(ره)، ترجمه: فخر الدين حجازي، چاپ دوم، تهران، انتشارات بعثت، 1353، رقعي، 2ج، 621+406ص. - زندگاني حسن بن علي(ع)، محمدعلي خليلي، تهران، چاپخانه ملي، 1319، وزيري، 355ص. - زندگاني حضرت امام حسن(ع)، سيد جعفر غضبان، چاپ سوم، تهران، انتشارات ارديبهشت، رقعي، 264 ص. - زندگاني امام حسن مجتبي(ع)، حسين حماسيان(صابر كرماني)، تهران، انتشارات اقبال، 1344، رقعي، 45 ص. - زندگاني حضرت مجتبي(ع)، حسين عماد زاده اصفهاني(1325 ـ 1410هـ) چاپ دوم، تهران، انتشارات اسوه، 1371، وزيري، 630 ص. - زندگي و سيماي حضرت امام حسن مجتبي(ع)، سيد محمدتقي مدرسي، ترجمه: محمدصادق شريعت، تهران، انصار الحسين(ع)، 1370، وزيري، 80ص. - زندگاني امام حسن مجتبي(ع)، سيد هاشم رسولي محلاتي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران(484 ص، وزيري). - زندگاني امام حسن مجتبي(ع)، علامه محمدباقر مجلسي(ره)، ترجمه: محمدجواد نجفي، كتابفروشي اسلاميه، تهران 1355 هـ . ش.453 ص. |